

## 03\_ as far as ...

این عبارت پشتت کاربردیه و اصولا با یه سری فعل ها زیاد استفاده میشه که چهار حالت رایجشو براتون میگم:

As far as **I can remember**, he didn't come home **until** midnight.

تا اونجایی که میتونم بیاد بیارم، اون تا نیمه شب خواب نپوشید.

As far as **I recollect**, there were **few** people in the village.

تا اونجایی که بخاطر میارم، آدمهای کمی توی روستا بودن.

As far as **I recall**, they quarreled very often at that time.

تا اونجایی که بیاد میارم، اونا اون موقع خیلی دعوا میکردن.

As far as **I can see**, he's a big liar.

تا اونجایی که میتونم ببینم، اون یه دروغگوی بزرگه.

## Conversation

**A:** Have you seen Tom?

**B:** No. As far as I can remember he was supposed to be on a business trip to Lisbon

**A:** Yes, but he was supposed to be back by now

**B:** Have you called his home?

**A:** Yeah, but there is no answer

**B:** Maybe you should call the police and file a missing person's report

مکالمه به همراه ترجمه ی خودمونی

A: Have you seen Tom?

تام رو دیدی؟

B: No. As far as I can remember **he was supposed to** be on a **business trip** to Lisbon.

نه، تا اونجایی که میتونم به یاد پیارم قرار بود تو به سفر کاری به لیسبون باشه.

A: Yes, but he was supposed to be back **by now**.

بله، اما قرار بود تا الان برگشته باشه.

B: Have you called his home?

با خونه ش تماس گرفتی؟

A: Yeah, but there is no answer.

آره، ولی کسی جواب نداد.

B: **Maybe** you **should** call the police and file a missing person's report.

شاید بهتره به پلیس زنگ بزنی و گزارش بدی یکی گم شده.

## نکات و الگوهای مهم مکالمه

### اول پریم سراغ **until**

یعنی تا!

مثال هارو ببین:

The ticket is valid **until** March.

بلیط تا مارچ اعتبار داره.

I was up **until** three o'clock.

من تا سه بیدار بودم.

**Until** recently, Mehri worked as a teacher in Tabriz.

تا همین اواخر، مهری به عنوان یه معلم توی تبریز کار میکرد.

ریز نکته:

توی انگلیسی روزمره مردم به جای **until** (ز **till** استفاده میکنن.

I'll wait **till** you get back.

منتظر می مونم تا برگردی.

### یه نکته گرامری در مورد **until**

به همراه **until** (ز **حال ساده** استفاده میکنیم. (بازم نکته هست، میکم براتون)

یعنی اگه خواستی بعدش عبارت پیاری باید زمانش حال ساده باشه.

I will wait **until** **I see you**.

منتظر می مونم تا ببینمت.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

اشتباه نکنی!

از **will** به همراه **until** استفاده نکن. منظورم توی عبارتی هست که بعد از **until** میاد!

I will wait **until** ~~I will see you.~~

**few** و **a few**

خب

**Few** = not many

وقتی از **few** به تنهایی استفاده میکنیم، منظورمون اینه که اون چیز (که قابل شمارشه) به اندازه ی کافی نیست. به اندازه ای که باج باشه یا دوست داریم باشه نیست.

She has **few** friends here.

اون دوست های کمی اینجا داره.  
اونقدری که دلش میخواد رفیق داشته باشه، نداره. دوستاش به اندازه ی کافی نیستن.

**A few** = some, small number.

وقتی از **a few** استفاده میکنیم که اون چیز قابل شمارشی که داریم درباره اش صحبت میکنیم به اندازه ی کافی هست.

I enjoy my life here. I have **a few** friends.

من اینجا از زندگیم لذت میبرم. چندتا رفیق دارم (به اندازه ی کافی رفیق دارم)  
پس **a few** یعنی یه مقدار کم، مثلاً دو یا سه نفر، دو یا سه تا چیز.

خواست باشه ما از **a few** قبل از اسم جمع استفاده میکنیم.

**A few people** were waiting.

تعداد کمی آدم منتظر بودن.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

He called me **a few days** later.

چند روز بعد بهم زنگ زد.

ریز نکته:

دقت کن اگه خواستی بعد از **a few** از **of** استفاده کنی با **ااید** حتما بعدش **the** پیاری.

یعنی چی؛ میخواهی بگی تعدادی **از** مردم، میگی:

**A few of** the people

اشتباه نکنی!

**A few of** people

ریز نکته:

دقت کن میگویم:

**A few of** my/his/her/our + ...

مثلا:

**A few of** my friends came too.

و همینطور میگویم:

**A few of** them/you/us

مثلا:

**A few of** us left early.

یه تعدادی از ما زود رفتن.

### کاربرد **be supposed to do/be something**

سه تا کاربرد داره:

**یک:** برای اینکه بگویم **یه کسی بهتره یه کاری رو انجام بده یا انجام نلمتفاده** میشه، **بخصوص**

**وقت پای قوانین وسط باشه یا کسی که قدرت داره یا جایگاه بالاتری داره گفته باشه.**

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

یعنی برای بیان الزام به انجام کاری استفاده میشه.

یه جورایی این کاربردش به should شبیهه.

I'm **supposed** to get to work by 8.

من باید (بهتره) ساعت 8 سر کار باشم.

I'm **not supposed** to tell anyone.

من نباید به کسی چیزی بگم.

What time **are** you **supposed** to be there?

چه ساعتی باید (اونجا باشی)؟

What are you doing out of bed? You're **supposed** to be asleep!

تو بیرون تخت چیکار میکنی؟ باید خواب باشی!

You're **not supposed** to park here.

تو نباید اینجا پارک کنی.

دو: برای گفتن اینکه چه چیزی انتظار میره یا انتظار میرفته که اتفاق پیوفته ، به خصوص زمانی که

اون چیز اتفاق نیوفتاده.

یعنی شما از یه کسی انتظار داشتی یه کاری انجام بده ولی طرف انجام نداده.

No one **was supposed** to know about it.

قرار نبود کسی درباره ش بدونه.

The meeting **was supposed** to take place on Tuesday, but we've had to postpone it.

قرار بود جلسه سه شنبه برگزار بشه، ولی مجبور بودیم عقبش بندازیم.

The new laws **are supposed** to prevent crime.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

قراره ( انتظار میره ) قوانین جدید از چرم و جنایت جلوگیری کنن .

They **were supposed** to come here, but they have not arrived yet.

اونتا قرار بود بیاین اینجا، ولی هنوز نرسیدن.

سه : برای گفتن چیزی که به اعتقاد بسیاری از مردم درسته و صحیحه یا خوبه در حالی که شاید واقعا خوب هم نباشه.

تو این حالت معنیش همیشه : اعتقاد بر اینه که ، گفته میشه که ، بنظر میرسه که ...

Akbar **is supposed** to have a lot of money.

اعتقاد بر اینه که اکبر خیلی پول داره.

I want to see that film. It **is supposed** to be good.

میخوام اون فیلم رو ببینم . باید فیلم خوبی باشه ( اعتقاد بر اینه که فیلم خوبییه ).

مثال بیشتر :

The show **is supposed to** be good.

This wasn't how it **was supposed to** happen.

He **is supposed to** join the army at this age.

Vitamin C **is supposed to** prevent colds.

What time will we **be supposed to** arrive there?

They **are supposed to** arrive tomorrow.

She **was supposed to** be here an hour ago.

He movie **was supposed to** earn a lot of money at the box office, but it didn't.

The party **was supposed to** be a surprise.

You **are supposed to** listen to your parents.

I **'m supposed to** clean my room before I go outside.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

What are **we supposed to** do in a situation like this?

Do what **you're supposed to**.

We **were not supposed to** leave the room.

**Are you supposed to** be here after the building has closed?

**trip** چندتا نکته در مورد

اول بریم ببینیم تفاوت **trip** و **travel** و **journey** چیه؟!

**travel**

این کلمه هم مع فعل و هم به اسم.

فعلش برای هر نوع سفری از یک نقطه به نقطه دیگه استفاده می شه.

ولی به عنوان اسم دو تا کاربرد مهم داره :

**اولین کاربردش** اینه که ما از اون برای سفر در مفهوم کلی استفاده کنیم . یعنی ما **نمیتونیم** از این کلمه در **نقش اسم** برای یک سفر به خصوص استفاده کنیم.

و **کاربرد دومش** اینه که ما این کلمه رو میتونیم به صورت جمع استفاده کنیم. مثلا اگر کسی به چندتا مکان سفر کرده باشه ، این کلمه میتونه استفاده بشه.

**پس اشتباه نکنی**

Our **travel** to Europe was full of good memories.

اینجا صحبت از **یه سفر به خصوص** ، پس **نباید** از **travel** استفاده کنیم.

I like to **travel** in the summer.

من دوست دارم تابستون برم مسافرت.



## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

He has written a book about his **travels**.

اون یه کتاب در مورد سفرهایش نوشته.

Reza likes **travel/travelling**.

رضا مسافرتو دوست داره.

تو این مثال از **travel** توی یه **مفهوم کلی** استفاده شده است. توی این کاربرد ما می توانیم از **traveling** هم به جای **travel** استفاده کنیم.

### journey

این کلمه یک اسمه. برعکس **travel** میتونیم از ایشون برای **یک سفر بخصوص** استفاده کنیم!

Our **journey** to Europe was full of good memories.

سفرمون به اروپا پر از خاطره های خوب بود.

### trip

**trip** یک اسمه و کاربردش مثل **journey**، با این تفاوت که ما معمولا اونو برای **سفرهای کوتاه** بکار می بریم. معمولا با برگشت همراهه علاوه اینکه پیشتر **تقریبه**.

ریز نکته:

دوتا فعل با این کلمه خیلییییی کاربرد داره:

یک:

### go on a trip

یعنی سفر کردن

I **went on a trip** to Germany last month.

ماه قبل به آلمان سفر کردم.

I ~~went to a trip~~ to Germany last month.

دو :

برای اینکه trip را به عنوان یک فعل بکار ببریم باید take رو پیش اضافه کنیم.

### take a trip

We took a trip to the seaside last Monday.

ما دوشنبه قبل سفری به کنار دریا داشتیم.

### انواع رایج : trip

#### a business trip

سفر کاری

I'm on a business trip with my boss.

من به همراه رییسم توی یه سفر کاری هستم.

#### a school trip

اردوی مدرسه ای

She went on a school trip to Mahalat.

اون با اردوی مدرسه رفت محلات.

#### a bus/boat trip

سفری که با اتوبوس باشه / سفری که با قایق باشه

They took a boat trip to see the seals.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

اونو پا قایق برای دیدن شیره‌های دریایی سفر کردن.

### a day trip

سفر یه روزه (وقتی یه روزه برای تفریح و عشق و حال پرید به یه جای)

Take **a day trip** to this city, which is just 15 miles away.

یه سفر یه روزه پرو به این شهر حالشو پیر، فقط 15 مایل دورتره.

### a round trip

یه سفر رفت و برگشتی

His wife makes **a** hundred and fifty mile **round trip** to see him twice a week.

خانومش برای دیدن اون هفته ای دوبار یه سفر رفت و برگشتی 150 مایلی انجام میده.

### the return trip

سفر برگشتی (صرفاً فقط برگردی، یعنی جای قبلاً رفته باشی حالا بخوای برگردی)

A day or two later she began her **return trip** to Chicago.

یک یا دو روز بعد اون شروع به برگشتن به شیکاگو کرد.

### a wasted trip

یه سفری که داخلش به اون چیزی که میخواستی نرسیدی

I'm afraid you've had **a wasted trip**

متأسفم که یه سفر پیهوده داشتی.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

پریم سراغ **now** :

خود now معنیش همیشه الان !

مثلا :

They **now** live in the city centre.

اون الان توی مرکز شهر زندگی میکنن.

**right now**

یعنی همین الان ، دقیقاً الان

There's nothing I can do about this **right now**.

الان هیچ کاری وجود نداره که بتونم درباره اش انجام بدم.

**by now**

یعنی تا الان

Ali should have been home **by now**. Do you think he's OK?

علی باید تا الان خونه باشه ( ولی نیست ) . فکر میکنی حالش خوبه ؟

**up to now/until now**

اینها هم یعنی تا الان

**Until now**, doctors have been able to do very little to treat this disease

تا الان ، دکترها قادر بودن برای درمان این بیماری کار خیلی کمی انجام بدن.

**from now on**

از الان به بعد

Please try to be more careful **from now on**.

لطفا سعی کن از الان بعد بیشتر مراقب باشی.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

for now

برای یه مدت کوتاهی

Leave your shoes on the back porch **for now**.

برای یه مدت کوتاهی کفشاتو بنار توی حیاط پشتی.

just now

در حال حاضر ( دقت کن کاربردش بیشتر بریتیشه )

There are a lot of customers in the shop **just now**.

در حال حاضر کلی مشتری توی مغازه س.

کاربرد **maybe** :

توی زبان maybe و perhaps ممکنه به معنی شاید استفاده بشن.

اما کاربرد هر کدومشون فرق داره.

هر دوشون یعنی شاید یا ممکنه (اما maybe غیر رسمی توه.

مثلا وقتی داری با دوستت صحبت میکنی میگه :

I'll **maybe** see you in August.

شاید توی ماه اوت ببینمت.

اما وقتی داری با کسی صحبت میکنی که خوب نمیشناسیش میگه :

**Perhaps** we could meet next week.

شاید هفته ی دیگه همدیگه رو ملاقات کنیم.

توی گزارش دادن یا توی داستان ها مینویسیم :

New York's **perhaps** the most interesting city in the US.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

نیویورک احتمالاً جالب ترین شهر آمریکاست.

یا توی سخنرانی هلیگیم :

**Perhaps** in closing I could just thank everyone for coming.

شاید در پایان فقط بتونم از همه به خاطر اومدنشون تشکر کنم.

ریز نکته :

توی جمله ی بالا کاربرد **maybe** به جای **perhaps** خودمونی تره !

**maybe** به عنوان قید :

ایشون قیده و به معنی شاید

**Maybe** no one will come to the party.

شاید هیشکی نیاد مهمونی.

اشتباه نکن

~~Maybe~~ no one will come to the party.

ریز نکته :

توی صحبت کردن ، وقتی داریم پیشنهاد میدیم ، بعضی وقتا میتونیم آخر جمله مون از **maybe** استفاده کنیم که این نشون میده در مورد چیزی که میگی مطمئن نیستیم.

A: There's something wrong with my PC. I can't load my photos.

یه مشکلی برای کامپیوترم پیش اومده . نمیدونم عکسامو پیارم بالا!

B: It could be a virus, **maybe**.

میتونه یه ویروس باشه ، شاید.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

اینجا طرف داره پیشنهاد میده و حرفش مطمئن نیست. برای همین از maybe آخر جمله ش استفاده کرد.

ریز نکته:

وقتی بهتون یه پیشنهاد میدن و شما توی جوابش مطمئن نیستین، میتونین از maybe به تنهایی توی جوابتون استفاده کنین.

A: Would you like to have chicken for dinner?

میخواهی برای شام مرغ بخوری؟

B: Maybe

شاید

A: You don't sound very enthusiastic.

زیاد مشتاق بنظر نمیرسی.

B: I just can't think about dinner right now. I've just had breakfast.

من فقط نمیتونم الان درباره شام فکر کنم. تازه صبحانه خوردم.

مثال:

Maybe you are right and I am wrong.

We go there maybe once or twice a month.

Maybe someday you'll both meet again.

Maybe it's all just a big misunderstanding.

I smile too long didn't practice, maybe you forgot.

Maybe he'll come, maybe he won't.

Maybe he would worry less if he understood the situation.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

**Maybe** there is a curse on my family.

**Maybe** I can ride the bicycle and follow you.

**Maybe** you should join the services.

If you wish really hard, **maybe** you'll get what you want.

I do think about having children, **maybe** when I'm 40.

**Maybe** I don't deserve you.

Wait a while, **maybe** a few days.

حالا **may be** چیه؟

تو این حالت، **may** به فعل modal هست! فعل کمکیه.

همیشه بعد از فعل های modal شکل ساده فعل میاد.

**be** (اینجا به معنی بودن، به فعل اصلیه!

خب پس **may be** (از دوتا کلمه جدا تشکیل شده

There **may be** a train at 10.00.

شاید ساعت ده به قطار باشه.

(اینجا **may** یعنی شاید، **be** هم بودن، در کنار هم همیشه **شاید باشه**.)

اشتباه نکن

There ~~**maybe**~~ a train at 10.00.

He **may be** waiting for us.



## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

شاید منتظر ما باشه.

This **may be** the last match that he plays for Barcelona.

این شاید آخرین بازی ای باشه که اون برای پارسلون انجام میده.

اشتباه نکن

This **maybe** the last match that he plays for Barcelona.

پس میتونیم **may be** رو **شاید باشه** معنی کنیم.

کاربرد **should** :

قسمت اول

در حالت کلی زمانی ارزش استفاده میکنیم که **بخوایم بگیریم** یا **کاری بهتره انجام بشه** یا **کاری بهتره انجام نشه** مثلاً وقتی **بخوایم** کسی رونصیحت کنیم که بهتره فلان کارو بکنی

و میتونه معنی **باید** هم بده ولی هیچ اجباری داخلش نیست.

اینکه معنی **باید** بده یا بهتره ، رو همیشه از روی مفهوم جمله حدس زد.

همیشه اول **should** میاد و بعدش فعل به صورت شکل ساده.

یعنی اون کاری رو که میخوایم بگیریم بهتره انجام بشه یا بهتره انجام نشه رو به صورت شکل ساده بعدش میاریم.

I **should go** home now.

بهتره الان برم خونه.

There **should be** more public hospitals.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

باید (بِهتره) بیمارستان های عمومی پیشتری وجود داشته باشه.

They **should reduce** the price of gasoline. It's so expensive.

اونتا بهتره قیمت بنزین رو کاهش بدن. خیلیییی گرونه.

There **should be** four more candles on the cake.

باید چهارتا شمع بیشتر روی کیک باشه.

### استنباط نکن

دقت کن که **should** با فعل های modal دیگه، نمیتونه پیاد.

It **should** probably be sunny today.

احتمالا باید امروز هوا آفتابی باشه.

It ~~should~~ **may** be sunny ...

It ~~may~~ **should** be sunny ...

برای ساختن حالت منعی از **shouldn't** استفاده میکنیم.

There **shouldn't** be many people at the party today

امروز نباید آدم های زیادی توی مهمونی باشن.

### ریز نکته:

ما از شکل کامل **should not** توی حالت های رسمی یا زمانی که بخواهیم روی یه چیزی تاکید کنیم استفاده میکنیم.

We **should not** forget those who have given their lives in the defense of freedom

ما نباید اونایی که زندگیشونو برای دفاع از آزادی دادن رو فراموش کنیم.

## دوره ی ویتامین مکالمه با سهیل سام \_ Unit 3

اینجا داره روی فراموش نکردن تاکید میکنه.

برای ساختن سوال کافیه **should** رو پیاریم اول جمله.

**Should** I turn off the air conditioning?

بهتر نیست کولرو خاموش کنم؟

**Shouldn't** you be studying now?

نیايد الان در حال درس خواندن باشی؟

**استنباط نکن**

نیازی نیست از **do** و اینچور چیزی برای سوال ساختن استفاده کنی.

**Do** I should I turn on the air conditioning?

**کاربرد should have** :

وقتی بخواهی در مورد چیزی که در گذشته انجامش درست بوده ولی انجام نشده ، یا کاری که بهتر بوده که انجام میدادی ولی انجام ندادی صحبت کنیم ایشووون میاد وسط.

دقت کن بعد از ایشون باید قسمت سوم فعل رو پیاری.

مثال هارو پیین :

They **should have made** a reservation.

اونها بهتر بود رزرو میکردن. ( اونها بهتر بوده که این کارو انجام میدادن ، ولی ندادن )

I **should have studied** harder when I was young.

وقتی چوون بادم باید بهتر درس میخواندم . ( ولی نخوندم ، داره درباره ی کاری که توی گذشته بهتر بوده انجام پشه ولی نشده صحبت میکنه )

مثلاً :

We **should have** had a proper discussion before voting.

The adults **should have** taught them these skills.

With hindsight, I **should have** taken the job.

I told you we **should have** done it my way!

You **should have** seen the dirt on that car!

Your clothes **should have** dried off by this time.

I **should have** finished by the middle of the week.

### عبارت کاربرد ی **maybe I should do something**

میخواهی بگی شاید بهتره فلان کارو انجام بدم.

مثلاً شاید بهتره برم خونه :

**Maybe I should** go home.

شاید بهتره پیش زنگ بزنم :

**Maybe I should** call him.

شاید بهتره بیشتر درس بخونم :

**Maybe I should** study more.

و خیلی راحت میتونی جای **I** هر فاعل و ضمیر فاعلی دیگه ای خواستی بذاری.

شاید بهتره بره خونه :

**Maybe he should** go home.

### بریم برای جمله سازی و تمرین

- 1- تا اونچایی که میتونم پیاد پیارم پاپام تا دیروز خونہ نیومد.
- 2- تا نیمه شب پیدار پودم.
- 3- تا اونچایی که یادمه قرار بودن اون بهم زنگ پزنه.
- 4- تمام چیزی که یادمه یه ماشین سفیده.
- 5- مامانم با ناراحتی به یاد آورد که اون و پاپام میرفتن پارک.
- 6- میتونی پیاد پیاری اون چی خورد؟
- 7- من کتاب های کمی دارم.
- 8- من تعدادی کتاب برای خوندن دارم.
- 9- تو نباید به من زنگ پزنی.
- 10- قرار بود تکلیفاتو پنووسی.
- 11- اعتقاد به اینه که سهیل سام معلم خوبیه.
- 12- سفر ما به اصفهان پر از خاطرات خوب بود.
- 13- من سفر کردن رو دوست دارم.
- 14- سعی کن از الان به بعد تکلیفاتو با دقت پنووسی.
- 15- بهتره الان یه چیزی بخورم.
- 16- بهتر بود یه چیزی میخوردم.
- 17- شاید فردا پپینمت.
- 18- شاید فردا یه امتحان باشه.
- 19- شاید بهتر باشه پاهش حرف پزنم.

جمله های درس قبل

- 1- How long have you been living in Tehran?
- 2- How long have you been waiting here?
- 3- How long have you been studying English?
- 4- Did you get used to studying English every night?
- 5- Did you get used to cold weather?
- 6- It usually takes me a long time to get home.
- 7- It took me a long time to do my homework.
- 8- Learning English with Soheyl is a piece of cake.
- 9- I've been watching movie for three hours.
- 10- Can I put you on hold for a moment?



*Prove them wrong.*